

بررسی عوامل اجتماعی و روانی مؤثر بر مشارکت سیاسی مردم شهر تهران

* دکتر سید ضیاء هاشمی

** مجید فولادیان

*** زینب فاطمی امین



چکیده

یکی از انواع مهم مشارکت که بسیار مورد بحث و بررسی قرار گرفته، مشارکت سیاسی است. تصور بر این است که در جامعه‌ای که شهروندان مشارکت کافی در امور سیاسی ندارند، احساس تعهد و دلبستگی چندانی نیز به نظام سیاسی وجود نخواهند داشت و به عنوان نیروی حامی و مشروعیت‌بخش این نظام در شرایط بحرانی عمل نخواهند کرد. در شرایط کنونی کشور این بحث اهمیتی دوچندان می‌یابد؛ از این رو این مقاله قصد دارد تا با نگاهی عینی به بررسی میزان مشارکت سیاسی و همچنین عوامل

* استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران (zhashemi@ut.ac.ir)

** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی نظری فرهنگی دانشگاه تهران (m.fouladiyan@ut.ac.ir)

*** کارشناس ارشد پژوهشگری دانشگاه شهید بهشتی (zeinab.fatemi@gmail.com)

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۳/۸

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۱۰/۹

پژوهشنامه علوم سیاسی، سال پنجم، شماره اول، زمستان ۱۳۸۸، صص ۲۲۶-۱۹۹.

تأثیرگذار بر مشارکت سیاسی در شهر تهران پیردازد.
بر اساس نتایج تحقیق با اطمینان بیش از ۹۹ درصد می‌توان گفت که
هریک از متغیرهای سن، وضعیت تأهل، سطح تحصیلات، انعطاف مذهبی،
درجه مذهبی بودن، رضایت از زندگی، آزادی سیاسی، مشروعیت سیاسی،
اعتماد سیاسی، دوستان سیاسی، فاتالیسم (سرنوشت‌گرایی)، احساس
کارآمدی و اثربخشی سیاسی، احساس بی‌قدرتی سیاسی، بیگانگی سیاسی،
پخش مسئولیت، خانواده سیاسی، آگاهی سیاسی، دوری‌گزینی سیاسی،
استفاده از رسانه‌ها، اعتماد اجتماعی، رضایت از عملکرد دولت، محتوای
شعرهای کاندیداها، داشتن فراغت در روز انتخابات، ثبات در گرایش حزبی،
اهمیت نتایج انتخابات، اهمیت نظارت اجتماعی، رابطه وهمبستگی
معناداری با میزان مشارکت سیاسی دارد.

واژه‌های کلیدی: مشارکت سیاسی، درجه مذهبی بودن، دوستان سیاسی،
بیگانگی سیاسی، خانواده سیاسی، رضایت از عملکرد دولت، اهمیت نظارت
اجتماعی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

مشارکت مفهومی است چندبعدی و پیچیده که هر جامعه‌ای نسبت به قوام خود، از سطوح مختلفی از آن در ابعاد مختلف برخوردار است. بر همین اساس جوامع مختلف به دنبال ایجاد و افزایش مشارکت شهروندان در عرصه‌های گوناگون اجتماعی هستند تا بدین طریق، همبستگی اجتماعی و پیوندهای اجتماعی‌شان را محکم و از فروپاشی اجتماعی جلوگیری کنند.^(۱)

یکی از انواع مهم مشارکت که بسیار مورد بحث و بررسی قرار گرفته، مشارکت سیاسی است. مشارکت سیاسی در چهارچوب‌های متعارف و قانونی را یکی از سنجه‌های توسعه سیاسی در کشورهای جهان به شمار آورده‌اند.^(۲) با رونق فزاینده بحث مشارکت سیاسی در دهه‌های اخیر، هم‌اکنون این بحث یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مفاهیم در علوم سیاسی و اجتماعی به شمار می‌رود. امروزه متفکران و صاحب‌نظران توسعه، مشارکت را از مهم‌ترین ارکان توسعه به شمار می‌آورند و در توسعه سیاسی برای آن اهمیتی دوچندان قائلند. به اعتقاد آنان مشارکت سیاسی از ضرورت‌های جدانشدنی و انکارناپذیر نظام سیاسی در قرن بیست و یکم است و اصلی‌ترین شاخص توسعه‌یافتگی سیاسی پاسخ به نیاز فزاینده مشارکت سیاسی و نهادینه کردن آن در قالب نهادهای مدنی است.

فرض ارتباط وثیق میان میزان مشارکت مردم در انتخابات و مشروعیت سیاسی نظام سبب شده تا دولت از انواع تمهیدات برای تشویق مشارکت آحاد گوناگون مردم برای مشارکت در انتخاباتی استفاده کند. اما در چند دوره انتخاباتی اخیر شاهد فراز و نشیب میزان مشارکت مردم به‌ویژه مردم شهر تهران در عرصه رأی‌دهی بوده‌ایم. سرنوشت مشارکت عمومی مردم استان تهران از دیگر استان‌ها فراز و

نشیب بیشتری داشته؛ به طوری که در نخستین انتخابات ریاست جمهوری (۱۳۵۸) ۷۶/۵ درصد واجدین شرایط در این استان پای صندوق رفتند. در دومین انتخابات (۱۳۶۰) هفت درصد از این میزان کاسته شد و در انتخابات سوم نرخ مشارکت در تهران قدری افزایش یافت و به ۶۴/۰۶ درصد رسید. اما از انتخابات دوره چهارم به بعد ناگهان میزان مشارکت تهرانی‌ها در انتخابات کاهش یافت و به زیر ۵۰ درصد (۴۸/۰۲) رسید.

نرخ مشارکت مردم استان تهران تا هفتمین دوره که در سال ۱۳۷۶ برگزار شد، همچنان زیر ۵۰ درصد باقی ماند. مشارکت تهرانی‌ها در انتخابات سال ۱۳۷۶ به ناگهان افزایش چشمگیری یافت. اما این مشارکت در سال ۱۳۸۰ بار دیگر کاهش یافت و به ۶۸/۸ درصد رسید. این روند در سال ۸۴ نیز سیر نزولی خود را با شدت بیشتری در پیش گرفت و به میزان حدوداً ۴۵ درصد نزدیک شد. این رقم در انتخابات مجلس در سال ۸۶ باز هم کاهش نشان داد و به زیر ۴۰ درصد رسید؛^(۳) در حالی که میانگین کشوری نزدیک ۶۰ درصد بوده است. با نگاهی به آمار مشارکت در انتخابات مردم تهران در سه دهه حاضر به روشنی مشاهده می‌شود عواملی اجتماعی و روانی وجود دارند که مشارکت مردم این شهر را به طور خاص تحت تأثیر قرار داده‌اند که در این تحقیق سعی می‌شود این عوامل مورد بررسی و شناخت قرار گیرد.

اهمیت بررسی کاهش و عدم مشارکت مردم شهر تهران از آنجایی افزایش پیدا می‌کند که بدانیم از آغاز برگزاری انتخابات در ایران (۹۹ سال قبل) همواره آرای مردم تهران تعیین‌کننده بوده است. شهر تهران و رفتار سیاسی مردم آن به دلیل الگو بودن از نظر رفتاری برای دیگر مردم کشور، از اهمیت دوچندانی برخوردار است. از سوی دیگر بر اساس نتایج حاصل از آرای این شهر، مردم و تحلیلگران نسبت به موفقیت و یا شکست گروه‌ها و احزاب، نظر داده‌اند. چنانکه در انتخابات مجلس، جز دو دوره، همواره رئیس مجلس از برگزیدگان تهران انتخاب شده است. با توجه به آمار موجود و حساسیت نحوه مشارکت مردم تهران، انجام یک تحقیق گسترده و عمیق برای آسیب‌شناسی و فهم چرایی عدم مشارکت مردم تهران در انتخابات به عنوان یک کنش سیاسی لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

هدف عمده تحقیق بررسی دلایل مشارکت و یا عدم مشارکت سیاسی مردم شهر تهران و شناخت عواملی است که موجب تقویت آن می‌شود. این تحقیق در عین حال که خصلتی بنیادی دارد از ماهیتی کاربردی برخوردار است. از طرفی این امکان را به دست می‌دهد تا برآورد بالنسبه دقیقی از وضعیت مشارکت اجتماعی و سیاسی مردم شهر تهران پیش از انتخابات دهم ریاست‌جمهوری حاصل شود و از سوی دیگر عوامل تأثیرگذار بر رفتار (یا عدم رفتار) سیاسی آنان، موانع مشارکت و علل کاهش مشارکت مردم تهران شناخته شود.

سطوح مختلف مشارکت سیاسی

اگرچه مشارکت سیاسی در دهه‌های اخیر توسعه جهانی پیدا کرده، اما اطلاق چنین عنوانی هرگز به معنای تعمیم گونه‌ای خاص از مشارکت در تمام ملت‌ها نیست. ملت‌های جهان بنا به لوازم و الزامات تاریخی، فرهنگی، دینی، محیطی و تجربه زیستی که دارند، هرکدام راه ویژه‌ای از مشارکت سیاسی را انتخاب کرده و الگوی خاصی را تجربه می‌کنند. پس بدین ترتیب مرزها و حدود مشارکت، راه‌ها و شیوه‌های مشارکت افراد و عناصر شرکت‌کننده در هر نظام سیاسی مبتنی بر شرایط فرهنگی، اعتقادی، ارزشی، محیطی، تجربه زیستی و هنجارهای اجتماعی مردم و آن نظام سیاسی است.^(۴)

اگر بخواهیم به صورت پدیدارشناسانه کیفیت و میزان تحقق مشارکت سیاسی را در جامعه‌ای مشخص کنیم، به ناچار باید مواردی را به عنوان مصادیق و نمونه‌های عینی مشارکت سیاسی نام ببریم که در ترتیب و تنظیم خاصی، همان سطوح مشارکت سیاسی هستند. سطوح مشارکت سیاسی علاوه بر معین کردن میزان شدت و ضعف مشارکت سیاسی می‌توانند در بررسی‌های آماری تا اندازه قابل قبولی مباحث انتزاعی حوزه علوم اجتماعی و سیاسی را به صورت کاربردی تبدیل کنند.^(۵) از جمله نویسندگان و محققانی که در مورد سطوح مشارکت سیاسی سخن گفته‌اند مکلاوسکی است که در دایرةالمعارف علوم اجتماعی و در ذیل واژه Political Participation این سطوح را در یازده مورد برشمرده که عبارتند از:

(۱) رأی دادن؛ (۲) کسب اطلاعات سیاسی؛ (۳) بحث در مورد موضوعات و

مسائل سیاسی؛ ۴) شرکت در جلسات و محافل سیاسی؛ ۵) کمک مالی به فعالیت‌های سیاسی؛ ۶) گفتگو و مذاکره با نمایندگان؛ ۷) عضویت در احزاب سیاسی؛ ۸) شرکت در ثبت‌نام افراد و تبلیغ برای احزاب سیاسی؛ ۹) نگاشتن مقالات و ارائه سخنرانی‌های سیاسی؛ ۱۰) شرکت در رقابت‌ها و مبارزه‌های سیاسی و ۱۱) رقابت به منظور انتخاب شدن برای پُست‌های سیاسی حزبی.^(۶) البته محققان و عالمان دیگر علوم سیاسی هرکدام از زاویه خاص تحلیلی خود به مسئله سطوح مشارکت سیاسی نگریسته‌اند و مواردی را ذکر کرده‌اند. از این جمله‌اند «وربا»^۱ و «راش»^۲ که هرکدام در رتبه‌بندی‌های خاص خود مواردی را ذکر می‌کنند که از پایین‌ترین سطوح مثل رأی دادن و علاقه‌مندی نسبت به مسائل سیاسی آغاز می‌شود و تا دخالت جدی در پُست‌های سیاسی و احیاناً تغییرات بنیادین در ساختار حاکمیت ادامه می‌یابد که به علت مشابهت زیاد مفهومی این سطوح با مواردی که از مک کلاوسکی نقل شد، ذکر آنها لازم نیست.

در یک جمع‌بندی اگر بخواهیم مهم‌ترین موارد سطوح مشارکت سیاسی را برشمردیم، به ترتیب اهمیت، از پایین‌ترین تا بالاترین سطوح مشارکت سیاسی در پنج سطح عبارتند از:

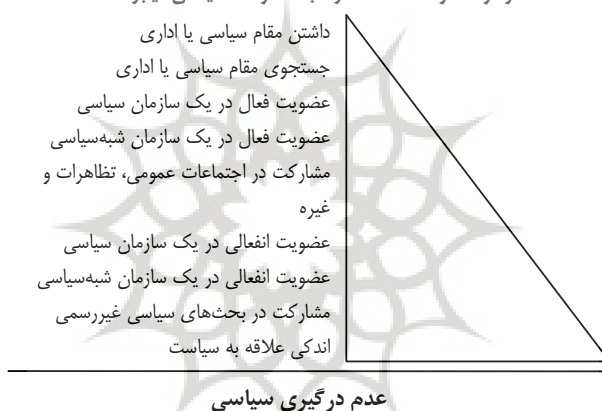
- ۱) رأی دادن و شرکت در گزینش و انتخاب مسئولان سیاسی و اجتماعی؛
 - ۲) آزادی بیان و شرکت در تشکل‌های فعال سیاسی و نقد و ارزیابی عملکرد نهادها، مسئولان و ساختار حکومتی؛
 - ۳) نامزدی پُست‌ها و کرسی‌های سیاسی و فعالیت آزاد انتخاباتی؛
 - ۴) دخالت و مشارکت در تغییرات و اصلاحات درون‌ساختاری؛
 - ۵) اقدام و عمل برای تغییرات بنیادین نهادها و ساختارهای نظام حکومتی.
- در ارزیابی این سطوح باید گفت که از لحاظ اولویت و اهمیت و نیز میزان تأثیرگذاری، سطح پنجم تأثیرگذارترین و پُراهمیت‌ترین سطح است ولی از لحاظ پراکندگی، بیشترین میزان مشارکت سیاسی در سطح اول وجود دارد. بنابراین احتمال رخداد سطح پنجم که می‌تواند منجر به تغییر نظام شود در مقایسه با چهار

1. Verba
2. Rush

سطح دیگر کمتر است. به بیانی دیگر می‌توان گفت هرچه میزان فعالیت سیاسی بالا رفته و شدت پذیرد، از میزان مشارکت افراد کاسته می‌شود؛ یعنی میان سطح فعالیت سیاسی و شدت آن با میزان مشارکت سیاسی رابطه‌ای معکوس برقرار است.^(۷)

در تقسیم‌بندی دیگری لستر میلبراث^۱ در کتاب مشارکت سیاسی سلسله‌مراتبی از مشارکت سیاسی را مطرح کرده که از عدم درگیری تا گرفتن مقام رسمی دولتی تغییر می‌کند و پایین‌ترین سطح مشارکت واقعی رأی دادن در انتخابات است.^(۸)

نمودار شماره ۱. سلسله‌مراتب مشارکت سیاسی میلبراث^(۹)



چهارچوب نظری

آنچه در تبیین مشارکت سیاسی بیشتر بدان پرداخته می‌شود این است که چه کسانی و چرا مشارکت می‌کنند؛ به عبارتی چه عواملی سبب مشارکت شهروندان می‌شوند. در پاسخ به این سؤالات اندیشمندان زیادی به ارائه نظرات خود پرداخته‌اند و هرکدام به عوامل خاصی نظر داشته‌اند و هرکدام به یک دسته از عوامل اهمیت بیشتری داده‌اند که این امر در نهایت موجب تولید رویکردهای مستقل خاصی در تبیین مشارکت سیاسی شده است:

رویکرد اجتماعی^۱ در تبیین مشارکت سیاسی

رویکرد اجتماعی یا تبیین جامعه‌شناختی، از رویکردهای عمده در تبیین مشارکت سیاسی به شمار می‌آید. از مهم‌ترین نظریه‌پردازان این رویکرد می‌توان به لیپست اشاره کرد. او در آثار مختلفی به بررسی عوامل تأثیرگذار بر مشارکت پرداخته است. لیپست معتقد است الگوهای شرکت در انتخابات در کشورهای مختلفی نظیر آلمان، سوئد، آمریکا، نروژ، فنلاند و برخی کشورهای دیگر مشابه هستند. در این کشورها مردان بیشتر از زنان، تحصیلکردگان بیشتر از کم‌تر تحصیلکردگان، شهرنشینان بیشتر از روستائیان، افراد بین ۳۵ تا ۵۵ سال بیشتر از جوان‌ترها، متأهلین بیشتر از مجردین، افراد دارای منزلت بالاتر بیشتر از افراد دارای منزلت پایین‌تر، اعضای سازمان‌ها بیشتر از غیر اعضا در فرایندهای سیاسی - اجتماعی مشارکت دارند.^(۱۰)

متغیرهای مورد نظر لیپست در تبیین مشارکت سیاسی را می‌توان در سه دسته کلی تقسیم‌بندی کرد: (۱) موقعیت اقتصادی خانواده که متغیرهایی چون سطح درآمد، شغل، محل سکونت، منزلت را در بر می‌گیرد. این متغیرها از نظر لیپست به عنوان متغیرهایی پایه‌ای عمل می‌کنند که به طور غیرمستقیم از طریق برخی متغیرهای دیگر نظیر ایدئولوژی سیاسی، عضویت حزبی و... رفتار سیاسی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهند.^(۱۱) (۲) موقعیت اجتماعی فرد که متغیرهایی چون وضعیت تأهل، مشارکت در نهادهای سیاسی - اجتماعی شهری یا روستایی بودن، مهاجر یا بومی بودن، سطح تحصیلات، میانسال یا جوان بودن را در بر می‌گیرد.^(۳) موقعیت سیاسی - مذهبی فرد که متغیرهای این دو وجه تأثیر متقابلی بر یکدیگر دارند. متغیرهایی چون ایدئولوژی سیاسی فرد که ارتباط تنگاتنگی با میزان مذهبی بودن دارد که به نوبه خود متأثر از ویژگی سیاسی خانواده نیز هست.^(۱۲)

در همین راستا تحقیقات آلموند و وربا نشان داده که الگوی مشارکت در درون گروه‌های طبقاتی مختلف تفاوت‌های معنی‌داری داشته و طبقات اجتماعی بالاتر مشارکت بیشتری داشته‌اند.^(۱۳)

بر اساس همین رویکرد، نظر چارلز هورتن کولی، جورج هربرت مید، جین

لایگلی و نیز میلبراث این است که کنش سیاسی افراد در زندگی روزمره تحت تأثیر گروه‌هایی است که به آن تعلق دارند؛ از این رو افراد به دلیل افکار خود به فعالیت سیاسی نمی‌پردازند بلکه معیارهای دوستان و خانواده است که رفتار سیاسی آنان را هدایت می‌کند. از این دیدگاه افراد آن‌گونه می‌اندیشند که از نظر اجتماعی در آن به سر می‌برند.^(۱۳) هانتینگتون، لیپست، آلموند و وربا و جورج هربرت مید به نقش وسایل ارتباط جمعی در افزایش آگاهی سیاسی و در نتیجه افزایش مشارکت سیاسی اشاره کرده‌اند. به نظر آنان، توسعه اقتصادی و اجتماعی که لازمه‌اش افزایش شهرنشینی، سطح سواد، آموزش، صنعتی شدن و توسعه وسایل ارتباط جمعی است، پیش شرط برقراری دموکراسی و افزایش مشارکت سیاسی است.^(۱۵)

هانتینگتون، لیپست، آلموند و وربا و میلبراث به عضویت افراد در انجمن‌های داوطلبانه توجه کرده‌اند.^(۱۶) از نظر هانتینگتون مجاری سازمانی یعنی عضویت فرد در انواع گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی احتمال مشارکت در فعالیت اجتماعی و سیاسی را بیشتر می‌کند.^(۱۷)

آلموند و وربا نیز معتقدند شبکه عضوگیری (عضویت در سازمان‌های داوطلبانه) فعالیت سیاسی را تسهیل می‌کند.^(۱۸) میلبراث نیز معتقد است هرچه فرد بیشتر در معرض انگیزه‌های سیاسی از جمله عضویت در سازمان‌های سیاسی باشد، احتمال مشارکت سیاسی او نیز بیشتر است.^(۱۹)

رویکرد روانشناسی به مشارکت سیاسی
این رویکرد بیشتر متوجه ویژگی‌های شخصیتی^۱ و روانی افراد همانند احساسات، تمایلات، نگرش‌ها و گرایش‌هاست. سؤال اصلی در تبیین‌های روانشناسانه این است که چرا همه افرادی که تحت تأثیر محرک‌های محیطی یکسانی قرار می‌گیرند رفتارهای متفاوتی از خود نشان می‌دهند. در مورد مشارکت سیاسی نیز اوضاع به همین گونه است و در شرایط محیطی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی یکسان، افراد رفتار سیاسی متفاوتی از خود بروز می‌دهند. بدین ترتیب منشأ

مشارکت سیاسی در نیازهای روان‌شناختی افراد نهفته است. از جمله اینکه شخصیت‌های قدرت‌طلب تمایل زیادی به مشارکت سیاسی دارند. نفع‌طلبی یا انتظار پاداش از دیگر ویژگی‌های شخصیتی است که در مشارکت سیاسی افراد دخیل است بدین معنی که اگر فعالیت سیاسی همراه با پاداش باشد، این پاداش به عنوان یک محرک مثبت عمل می‌کند و سبب افزایش عمل سیاسی می‌شود. همبستگی^۱ آماری نیرومندی میان میزان مشارکت سیاسی و اثربخشی سیاسی یعنی این احساس که فرد می‌تواند در سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها تأثیرگذار باشد، وجود دارد.^(۲۰)

نظریه دال در حوزه تبیین رفتار سیاسی افراد را متعلق به نحله رفتارگرایی اجتماعی می‌داند که ریشه در مفروض‌های بینش روان‌شناختی دارد. در نتیجه می‌توان دال را در پارادیم رفتارگرایی در جامعه‌شناسی قرار داد که نگاهی خردنگر و اقتصادی به رفتار افراد دارد.^(۲۱) در مجموع متغیرهای مؤثر بر رفتار سیاسی افراد در مدل تبیینی رابرت دال را می‌توان بر حسب قاعده هزینه - فایده تحلیل کرد که بر اساس آن افراد بر حسب تفاضل بین هزینه و فایده دست به انتخاب می‌زنند. دستیابی به پاداش مورد انتظار، احساس تأثیرگذاری، توانایی تصمیم‌گیری درست، قاعده سواری مجانی، و دانش لازم از وضعیت موجود، از متغیرهای ارزیابی فایده است که هرچه این ارزیابی مثبت‌تر باشد احتمال مشارکت سیاسی فرد افزایش می‌یابد و متغیرهایی نظیر مشکلات انجام رفتار، احساس خطر در انجام رفتار، و برآورد هزینه انجام رفتار، در مجموع برآورد نهایی فرد از هزینه انجام رفتار را به دست می‌دهد. در نظریه دال، بیشتر توضیح عدم تمایل و گرایش به مشارکت صورت می‌گیرد تا خود مشارکت.^(۲۲)

از دیگر نظریه‌های مطرح در این زمینه، مدل لوین است که برگرفته از تیپولوژی سیمن و شوارتز از ابعاد بیگانگی سیاسی است و این مضمون کلی را در بر دارد که اگر فرد احساس جدایی و انفصال از نظام سیاسی حاکم کند و در نتیجه مشارکت خود را در فرآیندهای سیاسی اثربخش نمی‌بیند، بر اساس این دریافت، احساس مشارکت او در رفتارهای سیاسی کاهش می‌یابد. در واقع کلیت مدل لوین

مناسبت زیادی با نظریه دال دارد با این تفاوت که در نظریه دال فرد ممکن است نسبت به نظام حاکم، بیگانگی سیاسی پیدا نکند و تمایلی هم به مشارکت نداشته باشد اما در مدل لوین تبیین عدم مشارکت در گروهی وجود احساس بیگانگی در فرد است. علاوه بر اینکه، احساس بی‌معنایی، بی‌هنجاری و انزوا از متغیرهایی است که در مدل لوین دیده می‌شود اما در نظریه دال به آنها پرداخته نشده است.^(۳۳) در واقع مدل لوین، نتیجه تعامل و روحیات فرد با نظام سیاسی حاکم را در رفتار مشارکت سیاسی می‌بینید و فرد توان و ظرفیت خود را در تعامل با نظام سیاسی ارزیابی می‌کند.^(۳۴)

علاوه بر این رویکردها و نظریات، «بی‌تفاوتی سیاسی»، «بیگانگی سیاسی» و «اعتماد اجتماعی» هم می‌توانند به عنوان عوامل اثرگذار بر مشارکت سیاسی مورد توجه قرار گیرند.^(۳۵)

در نهایت چهارچوب نظری این تحقیق با استفاده از نظریات فوق به‌خصوص رویکرد اجتماعی (لیپست)، رویکرد روانشناختی (دال)، نظریه بیگانگی سیاسی (لوین) و نظریات مربوط به اعتماد اجتماعی شکل گرفته و متغیرهای پژوهش از این نظریه‌ها برداشت شده‌اند. مدل نظری تحقیق بر اساس این نظریه‌ها و رویکردها تنظیم شده و با استعانت از این نظریه‌ها، متغیرهای پژوهش (سن، جنس و پایگاه اجتماعی از نظریه لیپست، آلموند و وربا، استفاده از رسانه از نظریه گریتر و اسمیت، عضویت در احزاب از نظریه‌های مربوط به نقش احزاب در مشارکت سیاسی، بیگانگی از نظریه لوین، اعتماد از نظریه گیدنز، آلموند و وربا، روحیه مشارکتی از مطالعه دهقان، غفاری و متغیرهای فشار گروهی، ارزیابی پاداش و هزینه عمل سیاسی از نظریه رابرت دال) اخذ شدند و بر این اساس مدل نظری پژوهش ترسیم شد.

مدل نظری تحقیق

در علوم اجتماعی روش‌های متفاوتی برای تحقیقات علمی وجود دارد مانند تحقیقات آزمایشی، مشاهده مشارکتی و... که هر محقق با توجه به موضوع مورد بررسی و شرایطی که در آن قرار دارد، یک یا چند شیوه را برای بررسی موضوع

مورد مطالعه انتخاب می‌کند. در پژوهش حاضر نیز با توجه به شرایط و موضوع بررسی، برای یافتن و تدوین عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی روش اسنادی، و برای آزمون مدل تئوریک تحقیق، روش پیمایش انتخاب شده است.

جامعه و نمونه آماری: با توجه به هدف و ویژگی‌های پژوهش مورد نظر، جامعه آماری یا قلمرو پژوهش به صورت زیر تعریف می‌شود: مجموعه افراد ساکن شهر تهران با ضابطه سنی x (۱۸ سال $x \geq$) که حجم این جامعه از بررسی داده‌های جمع‌آوری شده توسط سرشماری نفوس و مسکن سال (۱۳۸۵) مشخص شده است که با روش نمونه‌گیری (توزیع بلوک‌های نمونه در بین طبقات بیست‌ودوگانه شهرداری شهر تهران) توسط روش نمونه‌گیری با طبقه‌بندی متناسب با حجم، انجام پذیرفته است. بر این اساس حجم نمونه در تحقیق حاضر ۱۶۴۳ نفر بوده است.

بر اساس اطلاعات به دست آمده می‌توان دریافت که در این تحقیق ۴۸/۵ درصد از پاسخگویان مرد و ۵۱/۵ درصد زن بودند. میانگین سنی معادل ۳۵/۷۱ سال با انحراف معیار ۱۳/۷۹ سال برآورد شده است. در جامعه آماری تعریف شده (ساکنان ۱۸ سال به بالای شهر تهران) میانگین سنی حدود ۳۶ سال است که بیان‌کننده این مفهوم است که بیشتر افراد جامعه تعریف شده دارای سن ۳۶ و یا حول و حوش این مقدار است. البته باید توجه داشت که این میانگین برای ساکنان ۱۸ سال به بالاست و میانگین سنی عددی بالنسبه زیاد شده زیرا افراد زیر ۱۸ سال از این جامعه حذف شده‌اند. همچنین حداقل و حداکثر سن پاسخگویان به ترتیب برابر با ۱۸ و ۸۷ سال است. میانه سن پاسخگویان (Me) ۳۳ سال و به این معناست که نیمی از افراد جامعه به طور تقریبی دارای سن ۳۳ سال و یا بیشتر و نیم دیگر ۳۳ ساله یا کمتر (تا ۱۸ سال) سن دارند. نما (Mode) برابر ۲۵ سال و بیانگر این است که بیشتر افراد سن ۲۵ سال دارند. دلیل اینکه Mode یا نما نسبت به میانگین و میانه، مقدار تقریباً زیادی افت دارد این است که تعداد افراد زیر ۱۸ سال سن از جامعه حذف شده و علل دیگری نیز از قبیل اینکه معمولاً افراد قبل از سن ازدواج با والدین زندگی می‌کنند و بعد از ازدواج معمولاً به صورت مستقل و خانواده جدید زندگی می‌کنند و شهر تهران، شهری است که هرچند در حال حاضر

مهاجرپذیری آن به عللی کم شده اما در دهه‌های پیش، مهاجرت به تهران زیاد بوده و عموماً مهاجرت در سنین پایین انجام می‌گیرد.

در این تحقیق، در حدود ۳۴ درصد پاسخگویان مجرد، بیش از ۶۱ درصد متأهل و بیش از ۵ درصد نیز بدون همسر بوده‌اند. بر اساس اطلاعات کسب‌شده از پاسخگویان می‌توان دریافت که به طور متوسط تحصیلات پاسخگویان دیپلم بوده و میانه تحصیلات پاسخگویان نیز دیپلم بوده بدین معنی که ۵۰ درصد از آنها زیر دیپلم و ۵۰ درصد بالاتر از دیپلم، تحصیلات داشتند. ۱۰ درصد پاسخگویان بی‌سواد و یا دارای تحصیلات ابتدایی، در حدود ۱۴ درصد دارای تحصیلات راهنمایی و دبیرستان، حدود ۳۷ درصد دارای تحصیلات دیپلم، بیش از ۱۴ درصد دارای تحصیلات فوق‌دیپلم و دانشجوی، بیش از ۲۰ درصد دارای تحصیلات لیسانس و ۵ درصد دارای تحصیلات فوق‌لیسانس و بالاتر بودند.

نگاهی توصیفی به متغیر وابسته تحقیق: در ابتدا تعریفی مفهومی از متغیر اصلی تحقیق ارائه می‌دهیم و سپس گویه‌های تشکیل‌دهنده این مفهوم را مشخص خواهیم کرد. مراد ما از مشارکت سیاسی فعالیت‌های داوطلبانه اعضای جامعه و دخالت مستقیم یا غیرمستقیم در تشکل سیاسی عمومی است.^(۲۶) مشارکت سیاسی به مثابه فعالیت‌های کمابیش مستقیمی است که به وسیله شهروندان خصوصی در راستای نفوذ بر انتخاب پرسنل حکومتی یا کنش آنها اعمال می‌شود.^(۲۷) مفهوم مشارکت سیاسی از هفت گویه به شرح جدول زیر ساخته شده است. جهت‌گیری مفهومی گویه‌ها بر مفاهیمی از قبیل میزان فعالیت «رأی دادن در انتخابات، دنبال کردن اخبار و اطلاعات سیاسی، شرکت در تظاهرات و راهپیمایی‌ها، همکاری نزدیک با یکی از احزاب سیاسی، فعالیت در ستاد انتخاباتی کاندیداها، ملاقات با مقام‌های سیاسی و شرکت در سخنرانی‌های سیاسی» متمرکز است. ترکیب این گویه‌ها در قالب یک مقیاس نشان می‌دهد که حدود ۵ درصد پاسخگویان در حد بالا و در حدود ۳۳ درصد در حد متوسط، در حدود ۶۳ درصد در حد پایینی از مشارکت سیاسی برخوردار بودند.

جدول شماره ۱. جدول توزیع پاسخگویان در رابطه با مشارکت سیاسی (درصد)

گویه	تعداد نمونه	هیچ‌گاه	نسبتاً کم	نسبتاً زیاد	خیلی زیاد
رای دادن در انتخابات	۱۶۳۲	۹/۳	۲۱/۹	۳۰/۷	۳۸/۱
دنبال کردن اخبار و اطلاعات سیاسی	۱۶۳۹	۱۶	۳۵/۵	۳۰/۹	۱۷/۵
شرکت در تظاهرات و راهپیمایی‌ها	۱۶۳۵	۴۱/۱	۳۰/۵	۱۹/۳	۹/۱
همکاری نزدیک با یکی از احزاب سیاسی	۱۶۳۷	۷۷/۵	۱۴/۴	۶/۲	۱/۹
فعالیت در ستاد انتخاباتی کاندیداها	۱۶۳۱	۷۶/۵	۱۳/۸	۶/۲	۳/۵
ملاقات با مقام‌های سیاسی	۱۶۳۳	۷۷/۸	۱۴/۸	۵/۹	۱/۵
شرکت در سخنرانی‌های سیاسی	۱۶۲۰	۶۹/۴	۱۹/۴	۹	۲/۲

جدول شماره ۲. جدول توزیع فراوانی مقیاس مشارکت سیاسی

گزینه‌ها	فراوانی	درصد معتبر	درصد تجمعی
در حد پایین	۱۰۲۹	۶۲/۷	۶۲/۷
در حد متوسط	۵۳۴	۳۲/۶	۹۵/۳
در حد بالا	۷۷	۴/۷	۱۰۰
جمع	۱۶۴۰	۱۰۰	--
آماره‌های مقیاس	مقادیر		
میانگین کل مقیاس	۰/۸۴		
انحراف معیار	۰/۵۶		
حداقل مقدار مقیاس	۰		
حداکثر مقدار مقیاس	۳		
ضریب روایی مقیاس (Alpha)	۰/۷۸۹۰		

یافته‌های تحلیلی

در این قسمت یافته‌های تحلیلی در چند بخش گزارش می‌شوند. معیار تفکیک بخش‌ها، تفاوت در سطح متغیرهای مستقل تحقیق است که به تناسب سطوح متغیرها از روش‌های آماری مختلف استفاده شده است. نکته دیگر آنکه در این تحقیق بر اساس اهداف و مدل نظری تحقیق، دامنه گسترده‌ای از متغیرها مورد بررسی قرار گرفته‌اند که در نوع خود حائز اهمیت است و نتایج به دلیل رعایت اختصار، گزارش می‌شوند:

فرضیه‌های اصلی مورد بررسی این مقاله بدین شرح هستند: بین مشارکت سیاسی با متغیرهای زمینه‌ای رابطه همبستگی معناداری وجود دارد؛ متغیرهای اجتماعی بر مشارکت سیاسی تأثیر معناداری دارد؛ متغیرهای روانی بر مشارکت سیاسی تأثیر معناداری دارد.

جدول شماره ۳. جدول همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل با مشارکت سیاسی

متغیر	مقدار R پیرسون	ضریب تعیین (R2)	سطح معناداری (sig)
انعطاف مذهبی	-.۰/۲۳۲	۰/۰۵۴	۰/۰۰۰
درجه مذهبی بودن	۰/۳۵۸	۰/۱۲۸	۰/۰۰۰
رضایت از زندگی	۰/۲۷۹	۰/۰۳۲	۰/۰۰۰
منافع و پاداش	۰/۰۵۵	۰/۰۰۳	۰/۰۲۶
آزادی سیاسی	۰/۳۵۷	۰/۱۲۷	۰/۰۰۰
مشروعیت سیاسی	۰/۳۷۹	۰/۱۴۴	۰/۰۰۰
اعتماد سیاسی	۰/۳۸۱	۰/۱۴۵	۰/۰۰۰
دوستان سیاسی	۰/۴۵۸	۰/۲۱۰	۰/۰۰۰
سرنوشت‌گرایی	-.۰/۰۶۹	۰/۰۰۵	۰/۰۰۰
احساس کارآمدی و اثربخشی سیاسی	۰/۲۶۲	۰/۰۶۹	۰/۰۰۰
احساس بی‌قدرتی سیاسی	-.۰/۳۸۸	۰/۱۵۱	۰/۰۰۰
بیگانگی سیاسی	-.۰/۳۸۱	۰/۱۴۵	۰/۰۰۰
خانواده سیاسی	۰/۵۴۳	۰/۲۹۵	۰/۰۰۰
آگاهی سیاسی	۰/۰۹۷	۰/۰۰۹	۰/۰۰۰
دوری‌گزینی سیاسی	-.۰/۳۳۰	۰/۱۰۹	۰/۰۰۰
اعتماد اجتماعی	۰/۲۲۴	۰/۰۵۰	۰/۰۰۰
رضایت از عملکرد دولت	۰/۳۷۰	۰/۱۳۷	۰/۰۰۰
محتوای شعارهای کاندیداها	۰/۰۷۶	۰/۰۰۶	۰/۰۰۰
مدت اقامت در شهر تهران	۰/۰۲۹	۰/۰۰۸	۰/۲۴۶
احساس تعلق محله‌ای	۰/۰۳۸	۰/۰۰۱	۰/۱۳۲
اهمیت نظارت اجتماعی	۰/۱۹۹	۰/۰۴۰	۰/۰۰۰
سن	۰/۱۷۲	۰/۰۳۰	۰/۰۰۰

بر اساس اطلاعات جدول بالا می‌توان نتایج زیر را با اطمینان بیش از ۹۹ درصد دریافت:

هرچه افراد مذهبی‌تر باشند، مشارکت سیاسی آنان بیشتر خواهد بود. این متغیر گویای این امر است که افرادی که مذهبی‌ترند احتمالاً به دلیل تکلیف دانستن امر انتخابات و برخی دیگر از مقوله‌های مشارکت سیاسی بیشتر تمایل به انجام مشارکت سیاسی دارند. همچنین ۱۲/۸ درصد واریانس مشارکت سیاسی افراد به وسیله درجه مذهبی بودن آنها تبیین می‌شود.

هرچه رضایت فرد از زندگی افزایش یابد، مشارکت سیاسی او نیز بیشتر می‌شود زیرا افرادی که از سطح زندگی خودشان رضایت ندارند احتمالاً به همان نسبت از عملکرد دولت راضی نیستند و این امر از آنجا ناشی می‌شود که به دلیل دامنه قدرت و تأثیر حکومت در جامعه، بیشتر مردم تمام مشکلات و از سوی دیگر پیشرفت‌ها را تماماً ناشی از عملکرد حکومت می‌دانند.^(۳۸) به همین دلیل نارضایتی از سطح زندگی به نارضایتی از حکومت منجر می‌شود و به دلیل اینکه مشارکت سیاسی در این تحقیق با گویه‌هایی مشخص شده که عمل به آنها در راستای اهداف و خواسته نظام است، بنابراین افراد منتقد به نظام، مشارکت سیاسی کمتری نیز دارند. همچنین ۳/۲ درصد واریانس مشارکت سیاسی افراد به وسیله رضایتشان از زندگی تبیین می‌شود.

هرچه فرد به وجود آزادی سیاسی در جامعه بیشتر اعتقاد داشته باشد میزان مشارکت سیاسی او بیشتر می‌شود. این مسئله نیز ناظر به ارزیابی شخص از فضای سیاسی جامعه است که رضایت او از میزان آزادی فضای سیاسی و اعتقاد او به وجود آزادی سیاسی جامعه به افزایش رضایت شخص از حکومت منجر می‌شود و در نتیجه مشارکت سیاسی فرد افزایش می‌یابد. همچنین ۱۲/۷ درصد واریانس مشارکت سیاسی افراد به وسیله اعتقاد به وجود آزادی سیاسی در جامعه تبیین می‌شود.

هرچه فرد مشروعیت سیاسی بیشتری برای حکومت قائل باشد، مشارکت سیاسی او افزایش می‌یابد. همچنین ۱۴/۴ درصد واریانس مشارکت سیاسی افراد به وسیله متغیر مشروعیت سیاسی تبیین می‌شود.

هرچه اعتماد سیاسی فرد به نهادهای سیاسی بیشتر باشد میزان مشارکت

سیاسی او بیشتر می‌شود. این امر نیز مربوط به اعتماد فرد به سیستم و در نهایت رضایت از آن است. به عنوان مثال اگر فرد مطمئن باشد انتخابات صحیح برگزار می‌شود و حکومت از آرای او صیانت می‌کند و همچنین مسئولین را افرادی خیرخواه بداند، کنش سیاسی خود را مؤثر و تأثیرگذار می‌داند و در نتیجه مشارکت بیشتری در امور سیاسی می‌کند. ۱۴/۵ درصد واریانس مشارکت سیاسی افراد به وسیله متغیر اعتماد سیاسی آنان به نهادهای سیاسی تبیین می‌شود.

هرچه دوستان فرد تمایلات سیاسی بیشتری داشته باشند، مشارکت سیاسی آنان بیشتر خواهد بود. این متغیر از مهم‌ترین متغیرهای این تحقیق است که نشان می‌دهد در جامعه ما گروه‌هایی که ارتباطات رو در رو با فرد دارند و به‌طور کلی گروه‌های همسالان بسیار بر انتخاب و انگیزه فرد برای مشارکت سیاسی مهم است. همچنین اهمیت این متغیر می‌تواند از آنجا ناشی شود که در جامعه ما سیاست به عنوان امر بسیار مهم و کلیدی برای فرد مطرح است؛ بنابراین افراد دوستانی را انتخاب می‌کنند که به لحاظ سیاسی با خودشان همگن و هماهنگ باشند. همان‌گونه که در جدول ملاحظه می‌شود ۲۱ درصد واریانس مشارکت سیاسی افراد به وسیله میزان تمایلات سیاسی دوستان آنان تبیین می‌شود.

هرچه افراد احساس کنند کارایی و اثربخشی سیاسی بیشتری دارند، میزان مشارکت سیاسی‌شان بیشتر است. این نشان می‌دهد که اگر افراد احساس کنند مشارکت آنها روند جریان‌ها را تغییر می‌دهد بنابراین بیشتر مشارکت می‌کنند. این مفهوم با مفهوم فاتالیسم رابطه معکوس دارد و نتایج نیز حاکی از تأثیر معکوس این دو عقیده متفاوت بر مشارکت سیاسی است. همچنین در حدود ۷ درصد واریانس مشارکت سیاسی افراد به وسیله میزان احساس کارایی و اثربخشی سیاسی آنان تبیین می‌شود.

هرچه احساس بی‌قدرتی سیاسی در افراد قوی‌تر باشد، میزان مشارکت سیاسی‌شان کمتر خواهد بود. این مفهوم نیز در ارتباط با دو متغیر قبلی است و نشان می‌دهد اگر افراد احساس کنند قدرت در دست عده خاصی است و آنها در نهایت تصمیم می‌گیرند و از دایره قدرت خودشان کسی را به قدرت می‌رسانند و رأی و سایر ارکان مشارکت تنها ظاهری توخالی است، مشارکت چنین فردی کاهش

می‌یابد. همچنین بیش از ۱۵ درصد واریانس مشارکت سیاسی افراد به وسیله میزان احساس بی‌قدرتی سیاسی آنان تبیین می‌شود.

هرچه احساس بیگانگی سیاسی در افراد قوی‌تر باشد، میزان مشارکت سیاسی‌شان کمتر خواهد بود. همچنین ۱۴/۵ درصد واریانس مشارکت سیاسی افراد به وسیله میزان احساس بیگانگی سیاسی آنان به نهادهای سیاسی تبیین می‌شود.

هرچه تمایلات سیاسی خانواده فرد بیشتر باشد، میزان مشارکت سیاسی او نیز بیشتر خواهد بود. میزان تأثیر زیاد این متغیر مانند متغیر دوستان سیاسی نشان می‌دهد تا چه اندازه مسئله جامعه‌پذیری سیاسی در ایران مهم است، نتایج حاکی از آن است که فرد تحت تأثیر محیط خانواده به‌ویژه والدین، اقدام به مشارکت سیاسی می‌کند. همچنین ۲۹/۵ درصد واریانس مشارکت سیاسی افراد به وسیله میزان تمایلات سیاسی خانواده آنان تبیین می‌شود.

هرچه فرد از عملکرد دولت رضایت بیشتری داشته باشد، میزان مشارکت سیاسی او بیشتر می‌شود. همچنین در حدود ۱۴ درصد واریانس مشارکت سیاسی افراد به وسیله میزان رضایت آنان از عملکرد دولت تبیین می‌شود.

هرچه نظارت اجتماعی برای فرد بااهمیت‌تر باشد، میزان مشارکت سیاسی او نیز بیشتر است. به عنوان مثال هرچه فرد این امر برایش مهم‌تر باشد که دوستان و آشنایان او را هنگام رأی دادن ببینند، یا فرد را هنگام شرکت در راهپیمایی مشاهده کنند، این فرد بیشتر در انتخابات و راهپیمایی‌ها شرکت خواهد کرد. همچنین ۴ درصد واریانس مشارکت سیاسی افراد به وسیله متغیر اهمیت نظارت اجتماعی تبیین می‌شود.

هرچه افراد از سیاست بیشتر دوری کنند، میزان مشارکت سیاسی آنان نیز کمتر خواهد بود. همچنین در حدود ۱۱ درصد واریانس مشارکت سیاسی افراد به وسیله متغیر دوری‌گزینی سیاسی آنان تبیین می‌شود.

بر اساس جدول بالا همچنین میان متغیرهای انعطاف مذهبی، احساس دریافت پاداش از مشارکت سیاسی، فاتالیسم، آگاهی سیاسی فرد، اعتماد اجتماعی، اهمیت محتوای شعارهای کاندیداها و سن افراد با مشارکت سیاسی رابطه معنادار اما ضعیفی برقرار است.

همچنین بر اساس نتایج به دست آمده، بین مدت اقامت در شهر تهران و میزان احساس تعلق محله‌ای با مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود ندارد.

جدول شماره ۴. جدول همبستگی متغیرهای مستقل رتبه‌ای با مشارکت سیاسی

متغیر	مقدار آماره کندال	سطح معناداری (sig)
سطح تحصیلات	۰/۰۴۹	۰/۰۰۹
پخش مسئولیت	-۰/۱۷۱	۰/۰۰۰
ثبات در گرایش حزبی	۰/۰۷۳	۰/۰۰۱
اهمیت نتایج انتخابات	۰/۲۵۳	۰/۰۰۰

بر اساس اطلاعات جدول بالا می‌توان نتایج زیر را با اطمینان بیش از ۹۹ درصد دریافت:

❖ هرچه افراد تحصیلات بیشتری داشته باشند، میزان مشارکت سیاسی آنان نیز بیشتر خواهد بود. به عبارت دیگر تحصیلکرده‌ها بیشتر در انتخابات شرکت می‌کنند تا آنهایی که تحصیلات چندانی ندارند.

❖ هرچه افراد در گرایش حزبی شان باثبات تر باشند، میزان مشارکت سیاسی آنان نیز بیشتر خواهد بود. این نظریه جزء دیدگاه‌های کلاسیکی است که در این تحقیق مطرح، و نیز تأیید شده است.

❖ هرچه اهمیت نتایج انتخابات برای فرد بیشتر باشد، میزان مشارکت سیاسی او نیز بیشتر خواهد بود.

❖ هر چه فرد با پخش مسئولیت سیاسی موافق تر باشد، یعنی بر این عقیده باشد که اگر او در انتخابات شرکت نکند دیگرانی هستند که شرکت خواهند کرد و انتخابات بدون هم برگزار خواهد شد، میزان مشارکت سیاسی او کمتر خواهد بود.

جدول شماره ۵. جدول همبستگی میزان استفاده از رسانه‌های مختلف با مشارکت سیاسی

نوع رسانه مورد استفاده	مقدار آماره کندال	سطح معناداری (sig)
رادیو و تلویزیون داخلی	۰/۲۴۹	۰/۰۰۰
رسانه‌های خارجی	۰/۰۸۸	۰/۰۰۰
روزنامه‌ها	۰/۲۵۹	۰/۰۰۰
سایت‌های اینترنتی	۰/۲۰۳	۰/۰۰۰

جدول بالا نتایج میدانی یکی از فرضیه‌های مهم در مشارکت سیاسی در تهران را نشان می‌دهد. اطلاعات این جدول گویای آن است که هرچه افراد بیشتر از رسانه‌ها استفاده کنند، بیشتر به مشارکت سیاسی می‌پردازند. این امر به‌ویژه در مورد استفاده از رسانه‌های داخلی گویاست؛ بدین معنی که هرچه افراد بیشتر از رسانه‌های داخلی مانند رادیو و تلویزیون استفاده کنند، بیشتر به مشارکت سیاسی می‌پردازند.

جدول شماره ۶. جدول همبستگی متغیرهای مستقل اسمی با مشارکت سیاسی

متغیر	مقدار χ^2 کرامر	سطح معناداری (sig)
وضعیت تأهل	۰/۳۰۳	۰/۰۰۰
وضعیت شغلی	۰/۱۵۵	۰/۰۷۱
زبان مادری	۰/۱۰۷	۱/۰۰۰

بر اساس اطلاعات جدول فوق می‌توان نتیجه گرفت:

◆ بین وضعیت تأهل افراد و میزان مشارکت سیاسی آنان رابطه معناداری در سطح اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد.

◆ همچنین این نتایج گویای این است که میان زبان مادری و وضعیت شغلی با مشارکت سیاسی در شهر تهران رابطه معناداری وجود ندارد.

برای بررسی تأثیر جنسیت و محل تولد بر مشارکت سیاسی فرد، از آماره‌های مقایسه میانگین‌ها استفاده می‌کنیم. برای متغیرهای جنس و محل تولد که دوشقی هستند از آزمون T استفاده می‌کنیم.

جدول شماره ۷. جدول آماره‌های گروهی و آزمون T برای متغیرهای زمینه‌ای (جنس و محل تولد)

متغیر	گروه	تعداد نمونه	میانگین	انحراف معیار	انحراف از میانگین	مقدار T	درجه آزادی (df)	سطح معناداری (sig)
جنسیت	مرد	۷۹۵	۱۸۷۰۰	۵۶۷۱۴	۰۲۰۱۱	۹۵۱/۱	۱۶۳۸	/۰۵۰
	زن	۸۴۵	۱۸۱۶۵	۵۴۲۴۹	۰۱۸۶۶			
محل تولد	شهر	۱۰۳۵	۱۸۰۳۳	۵۲۲۵۰	۰۱۶۲۴	۷۶۴/۳	۱۱۵۶	۰۰۰/۰
	روستا	۱۲۳	۹۹۰۷	۵۱۸۸۸	۰۴۶۷۹			

بر اساس اطلاعات جدول بالا می‌توان نتیجه گرفت:

❖ میانگین میزان مشارکت در بین مردان ۰/۸۷ با انحراف معیار ۰/۵۷ و در بین زنان در حدود ۰/۸۲ با انحراف معیار ۰/۵۴ بوده است. مقدار آماره T در حدود ۱/۹۵۱ با درجه آزادی ۱۶۳۸ است که با توجه به سطح معناداری آن (۰/۰۵۱) در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است؛ بدین معنی که میانگین میزان مشارکت مردان نسبت به زنان بیشتر است. به عبارتی مردان بیشتر از زنان در انتخابات شرکت می‌کنند.

❖ میانگین میزان مشارکت در بین متولدین در شهر ۰/۸۰ درصد با انحراف معیار ۰/۵۲ درصد و در بین متولدین در روستا در حدود ۰/۹۹ درصد با انحراف معیار ۰/۵۲ درصد بوده است. مقدار آماره T در حدود ۳/۷۶۴- با درجه آزادی ۱۱۵۶ است که با توجه به سطح معناداری آن (۰/۰۰۰) در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است. بدین معنی که میانگین میزان مشارکت افرادی که در روستا متولد شده‌اند نسبت به افرادی که در شهر متولد شده‌اند، بیشتر است. به عبارتی روستازادگان بیشتر از شهروزادگان در انتخابات شرکت می‌کنند.

تحلیل مسیر

در این بخش بمنظور مشخص شدن سهم تأثیر هریک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته به تحلیل رگرسیونی^۱ و تحلیل مسیر^۲ داده‌ها پرداخته می‌شود. در تحلیل رگرسیونی چندمتغیره، سهم تأثیر هریک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته بدون لحاظ کردن تقدم و تأخر در بین آنها مشخص می‌شود.

بمنظور تشریح و تحلیل رگرسیون چندمتغیره و دستیابی به مدل رگرسیونی و تحلیل مسیر تبیین مشارکت سیاسی و عدم مشارکت سیاسی به طور جداگانه، ابتدا باید متغیرهایی را که قرار است وارد معادله رگرسیونی شوند، مشخص کرد. به همین جهت تمامی متغیرهای مستقل به روش مرحله‌ای^۳ انتخاب شده و در یک دستور رگرسیونی برای دستیابی به معادله نهایی، مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

1. Analysis Regression
2. Analysis Path
3. Stepwise

مشارکت سیاسی به عنوان متغیر وابسته

جدول شماره ۸. مدل رگرسیون چندمتغیره برای تبیین مشارکت سیاسی

متغیرهایی که وارد معادله شده‌اند ^۱					متغیرها
Sig	مقدار t	ضرایب استاندارد	ضرایب غیر استاندارد		
		Beta	خطای استاندارد	B	
/۰۰۰	۲۹۷/۱۰	/۲۴۸	/۰۱۸	/۱۸۳	۱. تمایلات سیاسی خانواده
/۰۰۰	۰۳۱/۱۱	/۲۴۵	/۰۱۵	/۱۶۳	۲. تمایلات سیاسی دوستان
/۰۰۰	۹۴۱/۸	/۱۷۷	/۰۱۵	/۱۳۰	۳. نظارت اجتماعی
/۰۰۰	-۳۰۴/۵	-/۱۱۹	/۰۱۶	-/۰۸۴	۴. داشتن فراغت در روز انتخابات
/۰۰۰	۶۰۰/۵	/۱۳۰	/۰۲۰	/۱۱۳	۵. درجه مذهبی بودن
/۰۰۰	۳۶۶/۶	/۱۳۹	/۰۰۹	/۰۵۷	۶. سطح تحصیلات
/۰۰۰	-۱۹۰/۵		/۱۲۱	-/۶۲۹	مقدار ثابت

جدول شماره ۹. شاخص‌ها و آماره‌های تحلیل رگرسیونی برای تبیین مشارکت سیاسی

۰/۷۰۳	ضریب همبستگی چندگانه
۰/۴۹۴	ضریب تعیین
۰/۴۹۰	ضریب تعیین تعدیل شده
۰/۳۹۲	خطای استاندارد

همان‌گونه که در جدول شماره ۹ ملاحظه می‌شود، ضریب همبستگی چندگانه^۲ همان $M. R = 0/703$ ، ضریب تعیین^۳ مساوی $R^2 = 0/494$ ، و ضریب تعیین تعدیل شده برابر $0/490$ است که بیانگر این مطلب است که تقریباً ۴۹ درصد از واریانس و تغییرات مشارکت سیاسی توسط متغیرهای موجود در معادله تبیین می‌شود. با توجه به اینکه در تحلیل رگرسیونی فوق از روش stepwise استفاده شده، ابتدا متغیری که بیشترین قدرت تبیین‌کنندگی را دارد وارد معادله رگرسیونی می‌شود و سپس، متغیرهای دیگری که دارای بیشترین تأثیر بر روی متغیر وابسته باشند بعد از این متغیر، وارد معادله می‌شوند. آماره‌های موجود در جدول شماره ۸ گویای این واقعیت است که

۱. متغیرهای که Beta آنها کمتر از ۰/۱ بوده است از جدول و مدل رگرسیون حذف شده‌اند.

۲. Multiple Correlation R

۳. R Square

متغیر تمایلات سیاسی خانواده با بتای ۰/۲۴۸ بیشتر از همه متغیرهای مستقل دیگر به طور مستقیم بر مشارکت سیاسی تأثیر می‌گذارد. جهت تأثیر این متغیر نیز مثبت و مستقیم است و بیانگر این مطلب است که با افزایش میزان تمایلات سیاسی خانواده، میزان مشارکت سیاسی نیز افزایش پیدا می‌کند. بعد از متغیر تمایلات سیاسی خانواده، متغیر تمایلات سیاسی دوستان با بتای ۰/۲۴۵ قرار گرفته است. حال متغیر تمایلات سیاسی خانواده را به عنوان متغیر وابسته در نظر می‌گیریم و دیگر متغیرهای مستقل را وارد رگرسیون می‌کنیم:

جدول شماره ۱۰. مدل رگرسیون چندمتغیره برای تبیین تمایلات سیاسی خانواده

متغیرهایی که وارد معادله شده‌اند ^۱					
Sig	مقدار t	ضرایب استاندارد	ضرایب غیر استاندارد		متغیرها
		Beta	خطای استاندارد	B	
/۰۰۰	۰۲۲/۱۵	/۳۴۰	/۰۲۰	/۳۰۷	۱. تمایلات سیاسی دوستان
/۰۰۰	-۱۱/۷	-/۱۹۸	/۰۲۵	-/۱۷۴	۲. بیگانگی سیاسی
/۰۰۰	۳۲۳/۵	/۱۳۷	/۰۳۰	/۱۶۰	۳. درجه مذهبی بودن
/۰۰۰	۸۲۸/۵	/۱۳۰	/۰۲۲	/۱۳۰	۴. نظارت اجتماعی
/۰۰۰	۵۷۷/۳	/۱۰۵	/۰۳۰	/۱۰۹	۵. رضایت از عملکرد دولت
/۰۰۰	۴۲۸/۶		/۱۹۵	۲۵۷/۱	مقدار ثابت

جدول شماره ۱۱. شاخص‌ها و آماره‌های تحلیل رگرسیونی برای تبیین تمایلات سیاسی خانواده

۰/۶۱۲	ضریب همبستگی چندگانه
۰/۳۷۵	ضریب تعیین
۰/۳۷۰	ضریب تعیین تعدیل شده
۰/۵۹۱	خطای استاندارد

همان‌گونه که در جدول شماره ۱۱ ملاحظه می‌شود، ضریب همبستگی چندگانه $M. R = 0/612$ ، ضریب تعیین مساوی $R^2 = 0/375$ و ضریب تعیین تعدیل شده برابر $0/370$ بوده و بیانگر این مطلب است که تقریباً ۳۷ درصد از واریانس و تغییرات

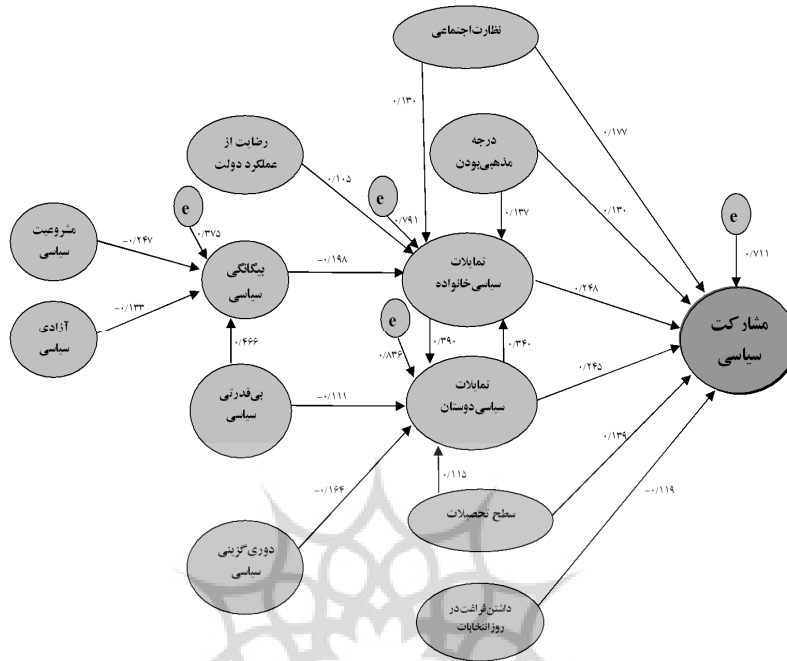
^۱ در تبیین این مدل که بیانگر اثرات متغیرهای مستقل بر مشارکت سیاسی خانواده است، از مدل رگرسیون استفاده شده است.

تمایلات سیاسی خانواده توسط متغیرهای موجود در معادله تبیین می‌شوند. آماره‌های موجود در جدول شماره ۱۰ گویای این واقعیت است که متغیر تمایلات سیاسی دوستان با بتای ۰/۳۴۰ بیشتر از همه متغیرهای مستقل دیگر به طور مستقیم بر تمایلات سیاسی خانواده تأثیر می‌گذارد. جهت تأثیر این متغیر نیز مثبت و مستقیم است و بیانگر این مطلب است که با افزایش میزان تمایلات سیاسی دوستان، میزان تمایلات سیاسی خانواده نیز افزایش پیدا می‌کند.

پس از قرار دادن متغیرهای تمایلات سیاسی دوستان، بیگانگی سیاسی در مراحل جداگانه به عنوان متغیر وابسته و انجام دستور رگرسیون مدل تحلیل مسیر برای تبیین مشارکت سیاسی پاسخگویان به صورت دیاگرامی که در زیر آورده شده، به دست آمد. لازم به ذکر است متغیرهایی که مقدار همبستگی استاندارد (بتا) آنان با متغیر وابسته مربوطه، کمتر از ۰/۱ بوده به دلیل تأثیر بسیار ناچیزشان حذف شده‌اند. نمودار شماره ۲ مسیر مربوط به عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی را بر حسب میزان تأثیر (بتا) نشان می‌دهد:

نمودار (۳). عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



اکنون با در اختیار داشتن مدل علی بالا می‌توانیم اثرات مستقیم، غیرمستقیم و نیز اثرات کل متغیرهای مستقل مؤثر بر مشارکت سیاسی را مشخص کنیم. نتایج تأثیرات به قرار زیر است:

جدول شماره ۱۲. میزان اثر متغیرهای مستقل بر متغیر مشارکت سیاسی

متغیر	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
تمایلات سیاسی خانواده	۰/۲۴۸	۰/۰۹۶	۰/۳۴۴
تمایلات سیاسی دوستان	۰/۲۴۵	۰/۰۸۴	۰/۳۲۹
نظارت اجتماعی	۰/۱۷۷	۰/۰۴۵	۰/۲۲۲
سطح تحصیلات	۰/۱۳۹	۰/۰۳۹	۰/۱۷۸
درجه مذهبی بودن	۰/۱۳۰	۰/۰۱۳	۰/۱۴۳
داشتن فراغت در روز انتخابات	-۰/۱۱۹	ندارد	-۰/۱۱۹

بر اساس اطلاعات جدول بالا می‌توان دریافت که تمایلات سیاسی خانواده با اثر کل ۰/۳۴۴، مؤثرترین متغیر تأثیرگذار بر میزان مشارکت سیاسی بوده است؛ بدین معنا که هرچه تمایلات سیاسی خانواده افراد بیشتر باشد، مشارکت سیاسی‌شان

بیشتر خواهد بود و در انتخابات حضور بیشتری خواهند داشت. بعد از این متغیر، تمایلات سیاسی دوستان با اثر کل ۰/۳۲۹ رتبه دوم و نظارت اجتماعی با اثر کل ۰/۲۲۲ در رتبه سوم مؤثرترین متغیرها قرار دارند. متغیرهایی چون بیگانگی سیاسی، رضایت از عملکرد دولت، بی‌قدرتی سیاسی، دوری‌گزینی سیاسی، مشروعیت سیاسی و آزادی سیاسی به علت اینکه اثر کل آنها کمتر از ۰/۱ به دست آمد در جدول فوق قرار نگرفتند.

نتیجه‌گیری

مشارکت مفهومی است چندبُعدی و پیچیده که هر جامعه‌ای نسبت به قوام خود، از سطوح مختلفی از آن در ابعاد مختلف برخوردار است. بر همین اساس جوامع مختلف به دنبال ایجاد و افزایش مشارکت شهروندان در عرصه‌های گوناگون اجتماعی هستند تا بدین طریق، همبستگی اجتماعی و پیوندهای اجتماعی‌شان را محکم، و از فروپاشی اجتماعی جلوگیری کنند. به هر صورت، هر اقدامی در مسیر مهندسی اجتماعی و افزایش مشارکت، نیاز به شناخت عوامل و علت‌های اساسی تأثیرگذار بر مشارکت دارد و این مهم بدون انجام تحقیقات دقیق و بنیادی امکان‌پذیر نیست.

با توجه به هدف و ویژگی‌های پژوهش مورد نظر، جامعه آماری یا قلمرو پژوهش، مجموعه افراد ساکن شهر تهران با ضابطه سنی x (۱۸ سال $\geq x$) مشخص شده که با روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی متناسب با حجم، انجام پذیرفته است. حجم نمونه بر این اساس در تحقیق حاضر ۱۶۴۳ نفر بوده است. نتایج یافته‌های تحقیق نشان داد از میان متغیرهای مختلف، متغیرهای سن، جنس، وضعیت تأهل، سطح تحصیلات، وضعیت شغلی، محل تولد، زبان مادری، انعطاف مذهبی، درجه مذهبی بودن، رضایت از زندگی، منافع و پاداش، آزادی سیاسی، مشروعیت سیاسی، اعتماد سیاسی، دوستان سیاسی، فاتالیسم (سرنوشت‌گرایی)، احساس کارآمدی و اثربخشی سیاسی، احساس بی‌قدرتی سیاسی، بیگانگی سیاسی، پخش مسئولیت، خانواده سیاسی، آگاهی سیاسی، رسانه‌ها، اعتماد اجتماعی، رضایت از عملکرد دولت، محتوای شعارهای کاندیداها، داشتن

فراغت در روز انتخابات، ثبات در گرایش حزبی، اهمیت نتایج انتخابات، اهمیت نظارت اجتماعی و احساس سختی شرایط هنگام رأی‌دهی رابطه و همبستگی معناداری با مشارکت سیاسی مردم شهر تهران دارند.

نتایج حاصل از نیکویی برآزش و تناسب مدل تحلیلی از طریق کاربرد رگرسیون چندگانه و تحلیل مسیر نشان داد که تمایلات سیاسی خانواده با اثر کل ۰/۳۴۴، مؤثرترین متغیر تأثیرگذار بر میزان مشارکت سیاسی بوده است؛ بدین معنا که هرچه تمایلات سیاسی خانواده بیشتر باشد، مشارکت سیاسی افراد بیشتر خواهد بود و در انتخابات حضور بیشتری خواهند یافت. بعد از این متغیر، تمایلات سیاسی دوستان با اثر کل ۰/۳۲۹ رتبه دوم و نظارت اجتماعی با اثر کل ۰/۲۲۲ در رتبه سوم مؤثرترین متغیرها قرار دارند.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد سهم عمده‌ای از واریانس مشارکت سیاسی در مرحله اول توسط سطح خرد ذهنی یعنی متغیرهای جامعه‌پذیری سیاسی (متغیر دوستان و خانواده سیاسی) و در مراحل دوم و سوم به ترتیب توسط متغیرهای کلان عینی و کلان ذهنی تبیین می‌شود. *

پی‌نوشت‌ها

۱. مجید فولادیان، و احمد، رضانی، پارادایم‌ها و نظریه‌های مشارکت در جامعه‌شناسی، (مشهد: انتشارات سخن گستر، ۱۳۸۷)، ص ۲.
۲. ایرنه گن ذیر، کارگردانی توسعه در جهان سوم، مترجم: احمد تدین، (تهران: نشر سفیر، ۱۳۶۹)، ص ۲۵۱.
۳. وزارت کشور، اداره کل انتخابات، ۱۳۸۵.
۴. فیرحی، داوود، «مفهوم مشارکت سیاسی»، فصلنامه علوم سیاسی، سال اول شماره ۱، پاییز، ۱۳۷۸، ص ۳۸.
۵. سید محمدناصر، تقوی، «تأثیر انواع مشروعیت در مشارکت سیاسی»، فصلنامه حکومت اسلامی، سال ششم، شماره دوم، تابستان، ۱۳۸۰، ص ۱۹۵.
۶. علی خداوردی، مشارکت عمومی و همبستگی ملی، (تهران: انتشارات سازمان عقیدتی - سیاسی نیروی انتظامی، معاونت سیاسی، ۱۳۸۴)، ص ۲۲.
۷. خداوردی، پیشین، ص ۲۳.

8. Lester W. Milbrath, *Political Participation*, (Rand Mc: Nally college Publishing Company, 1977).

۹. مایکل، راش، جامعه و سیاست، مترجم: منوچهر صبوری، (تهران: نشر سمت، ۱۳۸۱)، ص ۱۲۶.
۱۰. مارتین، لیپست، رابرت، دوز، جامعه‌شناسی سیاسی، مترجم: محمدحسین فرجاد، (تهران: نشر قومس، ۱۳۷۳)، صص ۴۱۸-۳۷۹.
۱۱. علاوه بر موارد فوق لیپست چندین قضیه دیگر را نیز مطرح می‌کند که مشارکت افراد در انتخابات را تحت تأثیر قرار می‌دهند: (۱) وجود بحران سیاسی در زمان انتخابات، (۲) شرایطی که در آن سیاست‌های دولت با علایق و منافع گروه مرتبط باشد، (۳) افراد به اطلاعات مربوط به رابطه تصمیمات سیاسی و علایق و منافع خود دسترسی داشته باشند، (۴) افراد تحت فشار گروه‌های اجتماعی برای رأی دادن باشند، (۵) حالتی که افراد برای رأی دادن به احزاب سیاسی تحت فشار نباشند (لیپست، ۱۹۶۰ ص ۱۹۱).
۱۲. مجید فولادیان، و احمد، رضانی، پیشین.

13. Almond, G & Verba "Civic Culture", (Princeton University Press, 1975), p. 217.

14. Scott D., Mc Clurg, "Social Networks and Political Participation", In: http://opensiuc.lib.siu.edu/ps_pubs/6/

۱۵. غلامعباس توسلی، نظریه‌های جامعه‌شناسی، (تهران: سمت، ۱۳۶۹)؛ جورج ریتزر، نظریه‌های جامعه‌شناختی در دوران معاصر، مترجم: محسن ثلاثی، (تهران: انتشارات علمی، چاپ اول، ۱۳۷۴)؛ منوچهر صبوری، جامعه‌شناسی سیاسی، (تهران، انتشارات سخن، ۱۳۸۱).

۱۶. شراره مهدیزاده، «تلویزیون، مخاطب و نگرش نو»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم شماره ۴، ۱۳۸۴، ص ۱۸۵.

17. Lovin Smith, "Individual Political Participation; The Effects of Social Structure and Communication Behavior", *Pacific Sociological Review*, 1979, p. 20-60.

۱۸. آلموند و پاول، «جامعه‌پذیری و فرهنگ سیاسی»، مترجم: علیرضا طیب، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال ۱۱، شماره ۵ و ۶، ۱۳۷۵.

۱۹. ساموئل هانتینگتون، سامان سیاسی در جوامع در دستخوش دگرگونی، مترجم: محسن ثلاثی، (تهران، نشر علم، چاپ اول، ۱۳۷۰)، ص ۵۱.

20. Almond, G & Powel, *Comparative Politics*, (Boston Little Brown, 1979).

21. Milbrath, L. *Political Participation*, (Rund McNally, Chicago, 1965).

۲۲. مایکل راش، پیشین، ص ۱۴۱.

۲۳. نسرين مصفا، مشارکت سیاسی زنان در ایران، (تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵، صص ۳۷-۳۵).

24. Robert A. Dahl, *Modern Political Analysis*, Fourth Edition, (New Jersey: Prentice Hall, 1984), p. 104.

۲۵. محسنی تبریزی، بررسی مشارکت سیاسی زنان در ۲۸ استان کشور، (تهران: وزارت کشور، ۱۳۷۶).

26. Levin, M. "Political Alienation in Man Alone", p. 217.

۲۷. مایکل راش، پیشین، صص ۴۳-۴۲؛ محسنی تبریزی، بررسی موردی رابطه بیگانگی و مشارکت اجتماعی سیاسی در میان سرپرستان خانواده‌های مناطق شهر تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۷۶، صص ۵۷-۵۳.

28. D. Sills, "International Encyclopedia of the Social Sciences", 1968, p. 252.